نقد یک پاسخ

در باب پاسخ بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی به نقد ترجمهٔ کتاب جانشینی محمد[ص]

در شماره ۲۶ کتاب ماه دین، پاسخ بنیاد محترم پژوهشهای آستان قدس رضوی به نقد اینجانب به ترجمه کتاب «جانشینی محمد (ص)» به چاپ رسید. پاسخ دهندهٔ محترم در ابتدای مطلب خویش نوشته‌اند: «آرزوی ما این بود که منتقد گرامی نقدی بجا و استوار بر آن می‌نوشتند تا...» ایشان اگر اندکی دقت روا می‌داشتند درمی‌یافتند که آرزوی ایشان برآورده شده است، زیرا نقد اینجانب بجا و استوار بود. در نقد اینجانب سیزده دسته (و نه سیزده عدد) اشکال موجود در ترجمه ذکر شده بود که پاسخ دهندهٔ محترم تنها بخشهایی (تأکید می‌کنم، بخشهایی) ازپنج دستهٔ آن را با ذکر توجیه‌هایی نادرست (که به یک یک آنها اشاره خواهم کرد) پاسخ داده‌اند. کاش دست کم به طور تلویحی اشاره می‌کردند که موارد عمده مطرح شده در نقد وارد است و در چاپ بعدی نسبت به رفع آن اقدام خواهند کرد. یادآوری می‌شود منظور از نوشتن این نقدها نه کاستن از ارزش کار دیگران و نه نادیده گرفتن تلاشهای دست اندرکاران آن، بلکه این است که ضمن بیان اشکالهای موجود در یک کار به منظور اصلاح آن، زمینهٔ هر چه غنی‌تر، دقیقتر، و علمی‌تر شدن کتابهای چاپ شده در حوزهٔ دین فراهم آید.

اکنون به تفصیل به مواردی می‌پردازیم که در پاسخ بدانها اشاره شده است:

○ علیرضا هدائی

۱ـ در مورد background ، گفته‌اند که «کم و کیف وقایع» پیشینه را هم در برمی‌گیرد. البته چنین نیسته زیرا «کم» چندی، مقدار، تعداد و «کیف» چونی و چگونگی است. کم و کیف وقایع یعنی چندی و چونی «خود وقایع»، اینکه تعداد وقایع چه بوده و با چه خصوصیات و چگونگی اتفاق افتاده و این شامل حوادثی که از پیش اتفاق افتاده و منجر به وقایع مورد نظر شده است نمی‌شود. عجیب است که پاسخ دهندهٔ محترم با غفلت از اینکه واژه background ترکیبی از back و ground است مدعی شده‌اند این واژه معانی دیگری هم دارد و در اثبات ادعای خود از Webster's Dictionary جمله‌ای شاهد آورده‌اند که خود آن را اینگونه ترجمه کرده‌اند: «وقایعی که منجر به چیزی می‌شود.»! ایشان توجه نکرده‌اند که آنچه منجر به چیزی می‌شود پیش از آن اتفاق افتاده است و آنچه در پاسخ بیان کرده‌اند معنای دیگری برای این واژه نیست.

۲ـ در مورد «the same» نیازی به ارجاع به دیکشنری یاد شده برای بیان اینکه same به معنای «مانند» نیز به‌کار می‌رود نبود. این نکته روشن است. اشکال من به «the same» بود نه «same». آنانکه انگلیسی می‌دانند به خوبی آگاهند که «the same» صرفاً به معنای «همان» یا آنچه عینیت را برساند به کار می‌رود.

۳ـ سه دسته از نقد من (نه یک دسته چنانکه در «پاسخ» باهم جمع شده‌اند) جملاتی بودند که بخشهایی از آنها غلط ترجمه شده (تحت عنوان الف ص ۸، ستون اول، س ۱۸ تا ستون دوم، س ۳۰)، جملاتی که کاملاً غلط ترجمه شده‌اند (تحت عنوان ب، ص ۸، ستون دوم، س ۳۱ تا ستون سوم، س ۱۸)، و جملاتی که صرف نظر از درستی یا نادرستی ترجمه، نارسا و مبهم اند (ص ۸، ستون سوم، سطر ۱۹ تاص ۹، ستون اول، سطر ۱۲). در مجموع تصور اینجانب براین بود که همان اشارت کلی برای دریافتن اشتباه کافی خواهد بود، اما اکنون که چنین نشده است ناچار تک تک موارد را به تفصیل توضیح می‌دهم. ذکر این نکته ضروری است که کتاب مورد بحث رمان یا داستان نیست که عدم دقت در ترجمه مشکل چندانی ایجاد نکند بلکه کتابی فنی و دقیق است که انتخاب واژگان، نوع ترکیب جمله، و ساختار آنها حاکی از باورهای خاصی است که بی‌دقتی در برگرداندن آنها به فارسی گاه جهتی کاملاً مغایر با باورهای نویسنده را به خواننده القا می‌کند.

الف. آنچه در پاسخ، تحت عنوان شماره ۳ آمده است.

۱. الف. مترجم «while» به معنای «درحالی که» را به «هر چند» ترجمه کرده است. (while مطلقاً به معنای هرچند به کار نرفته و تصور می‌کنم که تفاوت معنایی این دو واژه کاملاً روشن باشد.)

۲. الف. نویسنده می‌نویسد: «اندکی از مورخان جدید افسانهٔ این سبای سیف را خواهند پذیرفت ـ و شاید هیچکس نباشد که بپذیرد» و مترجم ترجمه کرده است: «تعداد مورخان امروزی که افسانه عبدالله بن سبا را **پذیرفته‌اند بسیار اندک است.**» اولاً نویسنده تحلیل می‌کند و می‌گوید «**خواهند پذیرفت**» درحالی که مترجم برخلاف متن، «پذیرفته‌اند» ترجمه کرده که اخبار از ماضی و تحقق یافتن یک امر در گذشته است. ثانیاً نویسنده می‌گوید «و شاید هیچکس نباشد که **بپذیرد**» (ترجمه «if any» در این ترکیب) که مترجم آن را نیاورده است. براساس متن «**شاید هیچکس نپذیرد**» در حالی که براساس ترجمهٔ مترجم «اندکی آن را پذیرفته‌اند.»

۳. الف. مترجم underlying را به «کلی» ترجمه کرده در حالی که در زبان انگلیسی این واژه مطلقاً به این معنا به کار نرفته است.

۴. الف. متن می‌گوید: « **تکیه زدن ابوبکر** بر مسند جانشینی...» اما ترجمه می‌گوید: «**انتخاب ابوبکر** به جانشینی...» در کجای متن کلمهٔ «انتخاب» به کار رفته است؟ این واژه بار معنایی خاصی دارد که مؤلف به دقت از آن اجتناب کرده است.

۵. الف. در متن آمده: «اختلاف در آن به گونهٔ ساختگی (artificially)...» که مترجم آن را نیاورده است. جالب است که پاسخ دهندهٔ محترم ضمن متهم کردن منتقد به بی‌دقتی! می‌گویند «مترجم از واژهٔ به گونه‌ای ساختگی که ترکیب مناسبی نیست بویژه در مورد شیعه، به نحوی دوری گزیده و ترجمه را به صورت دیگری تلطیف کرده است.» اولاً، چرا ترکیب «به گونه‌ای ساختگی» (و البته نه «واژه» که در پاسخ به کار رفته است) ترکیب مناسبی نیست؟ «ساختگی» همان «تصنعی» است که در فارسی به کار می‌رود. ثانیاً، مترجم مجاز نیست **هیچگونه** دخل و تصرفی در متن کند مگر آنکه به گونه‌ای (در پانوشته پینوشته یا اگر امری کلی است در مقدمه) بدان اشاره داشته باشد. تلطیف متن، کار مترجم نیست. اگر این کتاب با تعالیم شیعه ناسازگاری دارد نباید ترجمه شود و اگر سود ترجمهٔ آن بیش از زیان است باید ضمن ترجمهٔ دقیق مطلب تمامی موارد نادرست به همان گونه که گفتیم توضیح داده شوند (همان نکته‌ای که در نقد اینجانب بدان اشاره شده بود: کتاب ماه دین، شماره ۲۱، ص ۹، ستون دوم).

۶. الف. در متن آمده: «the death of Ali» که در بهترین حالت باید به «درگذشت» ترجمه شود، در حالی که مترجم آن را «شهادت» ترجمه کرده‌اند. شهادت بارفرهنگی و معنایی خاص و مثبتی دارد که نویسنده در نوشتهٔ خود بدان معتقد نیست.

۷. الف. مترجم واژهٔ attitude را «میل» ترجمه کرده در حالی که در زبان انگلیسی این واژه مطلقاً به این معنا به کار نرفته است.

۸. الف. پاسخ دهندهٔ محترم در پایان این بند نتیجه می‌گیرند که: «بنابر این مشاهده می‌شود که جملهٔ ترجمه به مراتب بهتر، رساتر و روشن‌تر است.» در پاسخ باید گفت تنها صفتی که می‌توان به ترجمهٔ غلط دارد همان «غلط» است. ترجمهٔ غلط اصلاً خوب و رسا نیست (چون چیزی دیگر غیر از آنچه مؤلف نوشته است باز می‌گوید) چه رسد به اینکه بهتر، رساتر، و روشنتر باشد.

در مورد به کاربردن «از سوی» نیز اگر ایشان به مثالهایی که در همان کتاب غلط ننویسیم (که بدان ارجاع داده‌اند) آمده است دقت می‌کردند در می‌یافتند که به کاربردن «ازسوی» در همه موارد (از جمله موردی که اینجانب به کار بردهام) تابجا نیست.

ب. آنچه در پاسخ تحت عنوان شمارهٔ ۴ آمده است.

۱. ب. مترجم yet را که اگر در آغاز جملات بیاید به معنای «باوجود این» و مانند آن است «اما» ترجمه کرده است.

۲. ب . مترجم term را که به معنای اصطلاح و واژه به کاررفته به «شرایط» ترجمه کرده است. عجیب است که صرف نظر از معنای لغوی کلمه موردنظر، توجه نکرده‌اند که صحبت در مورد آیه است و آنچه با آیه مناسبت دارد اصطلاح و واژه است نه شرایط.

۳. ب. نوشته‌اند که ترجمه شدن sons به معنای «پسران» به «همسران» اشتباه چاپی یا سهوالقلم است. آیا با وجود چهار مترجم و یک ویراستار سهوالقلم یا اشتباه چاپی معنادارد؟ مقایسه کنید با این جملهٔ پاسخ دهندهٔ محترم در اواخر پاسخ که: «مترجمان در این ترجمه پیوسته با یکدیگر رایزنی می‌کردند.»

۴. ب. خوب بود پاسخ دهندهٔ محترم منظور خود از قالبها را ـ که به تعبیر ایشان اهمیت چندانی ندارند توضیح می‌دادند. نویسنده می‌گوید: «معاصران به سختی خواهند توانست ازفهم آن به عنوان اشاره به اهل بیت محمد اجتناب ورزند.» و مترجم می‌نویسد: «نویسندگان معاصر چیزی جزاهل بیت از آن استنباط نمی‌کنند.» اولاً نویسنده می‌گوید «معاصران» و مترجم می‌نویسد «نویسندگان معاصر». کلمه نویسندگان در کجای متن آمده است؟ متن، ظهور در اسلام پژوهان دارد و هر اسلام پژوهی لزوماً نویسنده نیست. ثانیاً عبارت مترجم، حصر را می‌رساند در حالی که عبارت نویسنده به هیچ وجه گویای حصر نیست. جملهٔ غیر حصر را به حصر ترجمه کردن «رساندن مفهوم به بهترین شکل ممکن است» که پاسخ دهنده ادعا کرده‌اند یا غلط و نادرست؟

ج. آنچه در پاسخ تحت عنوان شماره ۵ آمده است.

۱. ج. اگر پاسخ دهندهٔ محترم به جملهٔ قبلی متن مراجعه می‌کردند درمی‌یافتند که «معنای روشن شیعی» چیست (زیرا نویسنده در آن جمله مراد از آن را توضیح داده است) و نیز اینکه در بین دو عبارت کاملاً تقابل وجود دارد و در نتیجه in spite of به درستی و دقت به «علی رغم» ترجمه شده است تا بدین‌ترتیب در پاسخ خود مرتکب اشتباه دیگری نشوند.

۲. ج. در مورد «اکثریت» باید دقت می‌کردند که majority در انگلیسی به معنای اکثریت است در مقابل minority به معنای «اقلیت». اگر مؤلف می‌خواست بنویسد اکثر می‌نوشت of most. اینکه در فارسی کجا اکثر درست است و کجا اکثریت، مربوط به هنگامی است که تالیف می‌کنیم نه ترجمه .

۳. ج. از همه عجیبتر اینکه ایشان درنیافته‌اند نکتهٔ اصلی در غلط بودن ترجمه چیست. نویسنده می‌گوید: «روایات نقل شده این تفسیر را تاکید می‌کنند» در حالی که مترجم می‌گوید: «طبری این تفسیر را تاکید می‌کند.» روایات نقل شده، باطبری یکی است؟! چگونه حتی با دیدن ترجمهٔ صحیح نیز به غلط بودن ترجمه توجه نکرده‌اند؟

بر همین اساس، نادرستی قضاوت پاسخ دهندهٔ محترم در مورد ترجمه پیشنهادی اینجانب نیز روشن می‌شود چرا که بر خلاف ادعای ایشان، ترجمهٔ من علاوه بر برخورداری از صحت و استواری، کاملاً روشن است.

د. آنچه در پاسخ تحت عنوان شماره ۶ آمده است.

۱. د. نویسنده می‌گوید: «روایت طولانی... متأخر است» در حالی که مترجم می‌گوید: «مورایینی بعداً این روایت را...» در متن، «متأخر» صفت روایت است در حالی که مترجم آن را قید کار مورایینی گرفته است. آیا صفت و قید با یکدیگر تفاوتی ندارند؟

۲. د. مترجم fictitious به معنای «خیال انگیز»را به «مجعول» ترجمه کرده است. آیا پاسخ دهندهٔ محترم به تفاوت فاحش این دو واژه توجه نکرده‌اند؟

هـ . آنچه در پاسخ تحت عنوان شماره ۷ آمده است:

۱. هـ. نویسنده می‌گوید «منابع سنی و شیعی» در حالی که مترجم می‌گوید «سنی و شیعه». نویسنده در پی بررسی منابع سنی و شیعی است نه معتقدات سنیان و شیعیان.

۲. هـ . نویسنده می‌گوید «جداعلا» اما مترجم می‌گوید «جد». این دو با یکدیگر تفاوت ندارند؟

و. آنچه در پاسخ تحت عنوان شماره‌های ۸ و ۹ آمده است.

این بندها با سایر بندهای پاسخ تفاوت دارند زیرا اگر چه از یک سو املای فارسی در توجیه نام خارجی ملاک نیست و از سوی دیگر مترجم باید صحیحترین برگردان رابرای یک نام بیابد اما به هرحال توجیه مطرح شده از سوی پاسخ دهندهٔ محترم تلاش برای ارائهٔ پاسخی منطقی به نقد اینجانب است.

ز. آنچه در پاسخ تحت عنوان شماره ۹ آمده است.

چنانچه «ابو» در اول اسم باشد می‌توان برای یکدست شدن و به دلیل رایجتر بودن در فارسی (چنانکه پاسخ دهندهٔ محترم گفته‌اند) آن را در تمامی موارد به همین شکل به کار برد اما اشکال اینجانب تماماً متوجه اسامی‌ای بود که در آنها «ابو» مضاف الیه است (عبدالله بن ابی بکر، عکرمة بن ابی جهل، یزیدبن ابی سفیان) و براساس الفبای قواعد عربی، مضاف الیه مجرور است. این اسامی، عربی‌اند و به کار بردن «عبدالله بن ابوبکر» به جای «عبدالله بن ابی بکر» غلط فاحش است. وانگهی، این غلطها در فارسی نیز رایج نیستند. ایرانیان می‌گویند «علی بن ابی طالب(ع)» یا «علی بن ابوطالب»؟!

ح. آنچه در پاسخ تحت عنوان شماره ۱۱ آمده است بی‌توجهی به مطالب مطرح شده از سوی اینجانب در نقد و مغالطه‌آمیز است. به عین جملهٔ اینجانب در نقد دقت کنید: «باوجود این همه اشکال، در برخی موارد مترجم برای نشان دادن دقت خویش، از آوردن مراجع ضمایر به جای خود آنها در متن ترجمه که امری معمول، روا، و برخی اوقات ضروری است اجتناب کرده آنها را داخل کروشه قرار داده است!» من مقایسه کردهام و گفته‌ام با وجود آن همه بی‌دقتی، اینگونه «دقت نمایی» نابجاست. زیرآوردن مرجع ضمیر به جای ضمیر چنانچه به مفهوم‌تر شدن مطالب کمک کند بی‌اشکال بلکه در برخی موارد ضروری است و نیازی به قرار دادن آن در کروشه نیست.

ط . آنچه در پاسخ تحت عنوان شماره ۱۲ آمده است نیز بی‌انصافی است. من نگفته‌ام که چرا جمله‌های دعایی به اسامی معصومان(ع) اضافه شده است، بلکه گفته‌ام چرا این کار بدون هیچگونه توضیحی در مقدمه صورت گرفته. عجیب است که با وجود دو بار تکرار شدن جملهٔ «بدون هیچگونه توضیحی در مقدمه» در نقد اینجانب، پاسخ دهندهٔ محترم بی‌توجهی کرده به تفصیل به ضرورت افزودن این نشانه‌ها و جملات دعایی پرداخته‌اند.

ی . آنچه تحت عنوان نتیجه‌گیری کلی آمده است .

پاسخ دهنده محترم گفته‌اند: «منتقد محترم حدود ۵۰ صفحه از این کتاب ۵۷۴ صفحه‌ای را ورق زده‌اند و کل کتاب را مشحون از غلط و اشتباه دانسته‌اند. این تعمیم حاکی از بی‌انصافی و سطحی نگری است.»

اولاً در نقد، مطالب کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد نه فهرستها و پیوستها، و مطالب کتاب ۵۲۷ صفحه است نه ۵۷۴ صفحه.

ثانیاً، اینجانب فقط ۵۰ صفحه از کتاب را ورق نزده‌ام (گر چه ۵۰ صفحه نیز کم نیست و $\frac{1}{10}$ کل کتاب مورد نظر است)، بلکه به کل آن توجه داشته‌ام. توجه به مواردی از نقد من که حتی این پاسخهای نادرست نیز بدان داده نشده است به خوبی این امر را روشن می‌سازد.

ثالثاً، لابد پاسخ دهندهٔ محترم این ضرب‌المثل مشهور را شنیده‌اند که «مشت نمونه خروار است.»

رابعاً، در نقد من اینگونه آمده است: «به طور کلی تقریباً کمتر صفحه‌ای از این کتاب ۵۲۷ صفحه‌ای است که عاری از غلط یا بی‌دقتی و بی‌نیاز از ویرایش و اصلاح باشد و چنانچه بخواهیم این موارد را ذکر کنیم باید تمام کتاب از نو ترجمه شود.»

ک . در خصوص به کار گرفتن چهار مترجم، توجه پاسخ دهنده محترم را به این نکته جلب می‌کنم که استفاده از چند مترجم تنها در دو صورت دارای توجیه منطقی است. یکی اینکه کتاب بسیار حجیم یا دارای چند مجلد باشد و دیگر اینکه دارای بخشهای متعدد با موضوعهای مختلف باشد که برای دقیقتر بودن ترجمه می‌توان هر بخش را به یک متخصص فن سپرد. در کتاب مورد نظر هیچیک از این دو خصوصیت وجود ندارد و به همین دلیل است که استفاده از چند مترجم جز بر نابسامانی ترجمه نیفزوده است. اینکه مترجمان محترم مرتب با یکدیگر رایزنی می‌کرده‌اند و ویراستار محترم چندین ماه صرف ویرایش کتاب کرده‌اند گرهای از کار بستهٔ این ترجمه نمی‌گشاید، زیرا آنچه مهم است نتیجهٔ کار است، خواه زمان صرف شده چند روز باشد خواه چند سال .

در ضمن بهتر بود پاسخ دهندهٔ محترم به جای متهم ساختن دیگران به تکروی و جویای نام بودن، به این نکتهٔ واضح که هم اکنون با توضیح بیشتر مجدداً آن را بازگفتم دقت می‌کردند. نیت و انگیزهٔ دیگران امری درونی است که تنها خدای تعالی از آن آگاه است و قضاوت کردن دربارهٔ آن نیز تنها او را سزد.

توفیق الهی بدرقهٔ راه تمامی کسانی باد که کمر به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام بسته‌اند.